

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره چهل و نهم، تابستان ۱۳۹۷: ۱-۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۰۸

مقایسه الگوی وزن در غزل معاصر و الگوی خانلری از وزن غزل فارسی

محمد مرادی*

چکیده

یکی از جنبه‌های اصلی تحول غزل معاصر، تغییر نسبی دایره عروضی و ورود وزن‌های تازه به این قالب است. با این حال در پژوهش‌ها، تنها به بررسی وزن‌های تازه برخی از شاعران بسنده شده و الگوی وزنی غزل معاصر استخراج و تحلیل نشده است. در این مقاله به روش تحلیلی-تطبیقی، ابتدا وزن بیش از ۲۵۰۰ غزل از ده شاعر برجسته معاصر استخراج و با الگوی خانلری از وزن‌های غزل مقایسه شده است. همچنین میزان سنت‌گرایی شاعران در پیروی از الگوی وزن کهن و نوآوری آنان در استفاده از وزن‌های تازه، تحلیل و مقایسه شده است. نتایج نشان می‌دهد که از میان بیست وزن اصلی غزل، سیزده وزن همچنان از وزن‌های اصلی‌اند و وزن‌هایی دیگر به این الگو اضافه شده است؛ هر چند بسامد سرودن غزل بر اساس الگوی خانلری، در کل پانزده درصد کمتر از معدل غزل فارسی است. همچنین در غزل معاصر از وزن‌های کوتاه کاسته و بر وزن‌های متوسط، بلند و دولختی افزوده شده است. البته وزن‌های متوسط، بیشترین بسامد را در غزل معاصر دارد. از شاعران معاصر، بهبهانی و منزوی بیشترین نوآوری و الگوشکنی را در وزن غزل داشته‌اند و عارف قزوینی، رهی معیری، شهریار و مردانی، بیشترین انطباق را با سنت‌های عروضی نشان داده‌اند و محمدعلی بهمنی، عماد خراسانی، فرخی یزدی و ابتهاج، در حد فاصل نوآوری و سنت قرار گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی: غزل معاصر، وزن، عروض، الگوی خانلری، نوآوری.

مقدمه

غزل از اصلی‌ترین قالب‌های سنتی ادب فارسی است که در کنار مثنوی و قصیده، مثلث اصلی شعر فارسی را تشکیل می‌دهد. هر چند از آستانه مشروطه، زمینه‌های تحول شکلی و توجه شاعران به دیگر قالب‌ها فراهم شد، این قالب همچنان به حیات مؤثر خود ادامه داد؛ چنان‌که به نظر اغلب پژوهشگران شعر معاصر فارسی، این دوران یکی از ادوار شکوفایی آن است و به موازات گونه‌های شعر آزاد، غزل نیز توانسته خود را با بسیاری از مضامین تازه و نوآوری‌های شعر معاصر سازگار کند (حقوقی، ۱۳۸۸: ۵۱۲ و حسن‌لی، ۱۳۸۳: ۴۱۸-۴۱۹).

مقدمات تحول در مضامین و ساختار غزل را پیش از همه در شعر دوران مشروطه می‌توان دید. از جنبه‌های اصلی اهمیت این دوره، شکل گرفتن گونه غزل سیاسی-اجتماعی است. نماینده اصلی این جریان که بعد از این دوره الگوی دیگر غزل‌سرایان معاصر شد، فرخی یزدی است (روزبه، ۱۳۷۹: ۵۲، شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۹۸، شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۴۳۰ و زرقانی، ۱۳۹۱: ۹۹). در کنار او، غزل‌های عارف قزوینی را می‌توان نماینده ویژگی‌های شعر مشروطه دانست (روزبه، ۱۳۷۹: ۴۵-۴۶). عارف بیش از غزل‌سرایی، تصنیف‌سرا بود. اما غزل یکی از دو قالب اصلی دیوان اوست؛ چنان‌که تعدادی از تصنیف‌های مشهورش را در آن سروده (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۴۰۱؛ همچنین رک: آربن‌پور، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۴۸-۱۵۱) و بعید نیست همین ویژگی، بر نوع انتخاب وزن‌های غزلیات او تأثیر گذاشته باشد. علاوه بر دو غزل‌سرای شاخص یادشده، در کارنامه ادبی دیگر شاعران این عصر چون ایرج، عشقی، لاهوتی، دهخدا، ادیب پیشاوری، ادیب نیشابوری، بهار و... هم غزل نمود دارد (روزبه، ۱۳۷۹: ۴۲-۵۳، صبور، ۱۳۷۰: ۴۸۶-۴۸۷ و شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۹۸)؛ هر چند آنان را به دلیل تمایل به دیگر قالب‌ها و مضامین نمی‌توان نمایندگان اصلی غزل مشروطه محسوب کرد.

با ظهور نیما، وضعیت شعر فارسی دگرگون شد و جریان‌های متعددی با تکیه بر سنت، نوگرایی یا آمیخته‌ای از این دو پدید آمد (حسین‌پور چافی، ۱۳۹۰: ۵۲-۵۳). هر چند در این دوران، بسیاری از شاعران به شیوه کهن خود ادامه دادند، بسیاری به نوآوری و تجربه جهان شعر جدید توجه کردند (حسن‌لی، ۱۳۸۳: ۴۱۸). این تمایل، زمینه‌ساز پیوند

غزل با جریان شعر پس از نیما شد. این قالب در دو شاخه سنتی و نوگرا در شعر این دوران نمود یافت. غزل سرایان سنتی (متماایل به سبک‌های عراقی، اصفهانی و تهرانی) با ظهور کسانی چون رهی، شهریار، پرتو بیضایی، علی اشتری، امیری فیروزکوهی، حمیدی شیرازی، ابوالحسن ورزی، عماد خراسانی، پژمان بختیاری، هادی رنجی، معینی کرمانشاهی، مهرداد اوستا و... به فعالیت خود ادامه دادند و در شاخه تجددگرا، نو یا تصویری غزل، شاعرانی چون توللی، نادرپور، بهبهانی، ابتهاج، خوبی، شفیع کدکنی، منزوی، پرنگ، نیستانی، بهمنی و... ظهور کردند که از طریق آنان تجربه‌هایی تازه به جریان غزل معاصر و اجزای آن، از جمله وزن راه یافت (حسین‌پور چافی، ۱۳۹۰: ۶۰-۶۱، صبور، ۱۳۷۰: ۴۸۹-۵۰۱، شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۹۸-۲۰۲، روزبه، ۱۳۷۹: ۱۹۹-۲۲۰ و زرقانی، ۱۳۹۱: ۱۷۴-۱۷۶ و ۲۴۹-۲۵۲).

از میان خیل غزل‌سرایان معاصر، شهریار، رهی معیری، عماد خراسانی، سیمین بهبهانی، ابتهاج، منزوی و بهمنی، بیش از دیگران مورد توجه و تأیید پژوهشگران قرار گرفته‌اند و علاوه بر انعکاس نام آنان به عنوان شاعران غزل‌سرا در جامعه ادبی و مردمی، بسامدی مناسب از این قالب را نیز منتشر کرده‌اند. در دوران پس از انقلاب نیز غزل همچنان از رایج‌ترین و فراگیرترین قالب‌های شعری بود و در پیوند با جنگ، نمونه‌هایی تازه از آن سروده شد. در این دوره علاوه بر جریان سنتی بازمانده از دوره قبل و جریان غزل خلاق نو که نمایندگان آن همچنان بهبهانی، بهمنی و منزوی به شمار می‌آمدند، غزل‌سرایانی جوان ظهور کردند که نصرالله مردانی، حسن حسینی، قیصر امین‌پور، علی‌رضا قزوه، عبدالجبار کاکایی و دیگر شاعران جوان دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در این زمره قرار می‌گیرند (روزبه، ۱۳۸۱: ۳۱۲-۳۱۴).

از آنجا که غزل معاصر از مشروطه تا کنون، تحولات بسیاری را تجربه کرده است، در این مقاله به بررسی بسامدی یکی از اصلی‌ترین ارکان آن یعنی وزن، با تکیه بر غزل شاعرانی چون عارف قزوینی، فرخی یزدی، شهریار، رهی معیری، عماد خراسانی، سیمین بهبهانی، ابتهاج، بهمنی، منزوی و نصرالله مردانی و تطبیق آن با وزن غزل سنتی پرداخته شده است.

پیشینه تحقیق

درباره موسیقی غزل و وزن‌های اصلی آن، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. از جمله خانلری (۱۳۲۷) پس از بررسی حدود ۱۷۰۰۰ نمونه از ۵۱ غزل‌سرای قرن‌های ششم تا سیزدهم، بیست وزن اصلی و پرکاربرد غزل را معرفی کرده و ضمن طبقه‌بندی آنها در چند دسته اوزان کوتاه، متوسط ثقیل، متوسط خفیف، بلند ثقیل و متناوب (دوری)، وضعیت هر وزن را در دوره‌های مختلف بررسی کرده است. از کاستی‌های تحقیق خانلری، در کنار بررسی نکردن آثار غزل‌سرایانی بنام چون مولوی و بیدل دهلوی، قرار ندادن وزن پرکاربرد «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن» در الگوی وزنی خود است.

الول ساتن (۱۹۷۶) نیز پس از بررسی بیش از چهل دیوان فارسی از قرن چهارم تا مشروطه، الگویی از وزن‌های اصلی شعر در قالب‌های قصیده، غزل، قطعه و... ارائه کرده؛ هرچند الگوی او صرف غزل نیست. کمالی و دیگران (۱۳۸۸) ضمن بررسی گونه‌های وزن در غزلیات بیدل دهلوی، الگوی وزنی او را با الگوی خانلری مقایسه کرده‌اند. همچنین کرمی و مرادی (۱۳۸۹)، پس از بررسی وزن ۱۴۰۰۰ غزل از ده شاعر سده‌های دهم تا دوازدهم، الگویی از میزان کاربرد وزن‌ها در این دوران ارائه کرده‌اند.

در کنار پژوهش‌های جامع وزن، در کتاب‌هایی که در حوزه غزل نوشته شده، به صورت گذرا به وزن توجه شده است؛ هرچند در پژوهش‌های عظیمی (۱۳۶۹) و صبور (۱۳۷۰) در بررسی سیر غزل به جنبه‌های موسیقایی و اوزان آن کمتر تحلیل شده است. البته شمیسا (۱۳۸۶) در بحث عروض غزل، ضمن معرفی الگوهای اصلی وزن این قالب تکیه بر دو الگوی خانلری و الول ساتن، شباهت‌های موجود در آن دو را بسیار دانسته و بر صحت تحقیق خانلری تأکید کرده و نشان داده که از بیست وزن اصلی الگوی خانلری، هجده وزن در الگوی ۲۷گانه ساتن هم وجود دارد. هر چند در این پژوهش نیز به وزن غزل معاصر توجهی نشده است.

در پژوهش‌های مربوط به غزل معاصر نیز گاه نشانه‌هایی از بررسی و معرفی وزن‌های آن دیده می‌شود. از میان پژوهشگران این حوزه، روزبه (۱۳۷۹) در بررسی سیر تحول غزل پس از مشروطه، ضمن ارائه الگوی خانلری به عنوان الگوی اصلی وزن غزل معاصر،

چهار وزن «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن»، «فعولن فعولن فعولن فعولن»، «مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فع» و «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» را هم آورده و به صورت موردی، چند وزن کم کاربرد یا تازه را در جریان‌های سنتی و نو غزل ذکر کرده، بی‌آنکه بسامدی از اوزان اصلی ارائه کند. در این اشارات کلی، خطاهایی نیز دیده می‌شود؛ چنان‌که پژوهشگر، وزن «فاعلات فاع فاعلات فاع» را از اوزان بی‌سابقه دانسته، حال آنکه این وزن دست‌کم در یکی از غزل‌های تصنیفی عارف استفاده شده است (عارف قزوینی، ۱۳۵۷: ۳۷۹).

همچنین حسن‌لی (۱۳۸۳) در بحث از نوآوری‌های شعر سنتی معاصر، به صورت موردی چند نمونه از وزن‌های تازه‌تر را نام برده است. مرادی (۱۳۸۹) گونه‌ها و الگوهای وزنی غزل شاعران جوان بعد از انقلاب را با تأکید بر تعدادی از دفترهای شعر دهه‌های هفتاد و هشتاد بررسی کرده و حسین‌پور چافی (۱۳۹۰) در بیان ویژگی‌های جریان شعر سنتی معاصر، تنوع نسبی در کاربرد اوزان از جمله در اشعار بهبهانی، منزوی و بهمنی را یکی از ویژگی‌های این جریان دانسته و چند نمونه از نوآوری‌های رایج در وزن غزل معاصر را مطرح کرده است.

تعدادی از پژوهشگران نیز به صورت منفرد، وزن غزل شاعری خاص را بررسی کرده‌اند. از این دسته، موسوی (۱۳۸۶) وزن‌های مرسوم در غزل محمد قهرمان را با در نظر گرفتن ادوار حیات شاعری او معرفی کرده است. بهادری و طغیانی (۱۳۹۱) در خلال بررسی موسیقی‌های کناری و بیرونی در غزلیات شهریار، بسامد بحر‌ها و وزن‌های مربوط به هر بحر را بررسی کرده‌اند.

در این دسته پژوهش‌ها، بیشترین مطالعات درباره اشعار سیمین بهبهانی است. ابومحبوب (۱۳۸۲) ضمن بررسی ویژگی‌های شعر او، اوزان شعری‌اش او را تا زمان نشر پژوهش خود بررسی کرده است. در این پژوهش، تعدادی از اشعار متأخر بهبهانی از نظر وزن بررسی نشده است. همچنین از نظر قالبی نیز وزن غزل‌های او تفکیک نشده و تحقیق بر اساس دفترهای شعری او صورت گرفته است. ابومحبوب به دلیل اصرار بر سازگار کردن اوزان شعر بهبهانی با دایره عروض فارسی، بسیاری از اوزان دولختی در غزل‌های او را که در هر مصراع از هشت تا دوازده رکن عروضی تشکیل شده‌اند، به صورت نیم‌مصراع‌های

مربع و مسدس معرفی و طبقه‌بندی کرده است.

همچنین مدرسی و کاظم‌زاده (۱۳۸۹) در خلال بررسی عناصر موسیقایی، به صورت موردی و با تکیه بر تعدادی وزن‌های کم‌کاربرد یا تازه، به معرفی برخی از ویژگی‌های وزنی در غزل بهبهانی، منزوی و بهمنی پرداخته‌اند و مرادی (۱۳۹۰) به صورت موردی برخی از وزن‌های تازه شعر بهبهانی را معرفی کرده است. در پیوست مجموعه اشعار بهبهانی (۱۳۸۸) هم فهرستی از اوزان غزل‌های او، با عنوان وزن‌های تازه ذکر شده که علاوه بر خطا در استخراج صحیح اوزان، ناشر بسیاری از وزن‌های مستعمل در ادب گذشته را به خطا در وزن‌های ابداعی بهبهانی قرار داده است.

همچنین شریفی (۱۳۹۳) در خلال معرفی ویژگی‌های شعر او، فهرستی از اوزان غزل‌ها و اشعارش آورده که از منظر دقت استخراج اوزان و همچنین سازگاری نام آنها با دایره‌های عروض فارسی، خطاهایی متعدد دارد. برای مثال در همان وزن‌های نخستین، به جای «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن»، نام «فعلن مفاعلن فعلاتن مفاعلن»، به جای «مفعول مفاعیل مفاعیل مفاعیل»، نام «فعلن فعلاتن فعلاتن فعلاتن» و به جای «مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن»، نام «مفعول مفعولات» ثبت شده و از این دست خطاها در بسامد و نام‌گذاری و تشخیص صحیح وزن، در ده‌ها مورد از نمونه‌ها دیده می‌شود.

علاوه بر پژوهش‌های یادشده، در مجموعه مقالات «نخستین و دومین هم‌اندیشی وزن شعر فارسی» نیز به وزن اشعار برخی شاعران توجه شده است. سمیعی گیلانی (۱۳۹۰)، وزن غزل‌های سعدی و میرطلایی (۱۳۹۲)، اوزان دیوان شمس را تحلیل کرده و عظیمی (۱۳۹۰) به معرفی عروض و موسیقی اشعار هـ الف. سایه پرداخته است.

آنچه از پژوهش‌های موجود دریافت می‌شود، نخست این است که جز اشعار شهریار و سیمین، وزن غزل دیگر شاعران این پژوهش، هیچگاه به صورت کامل و با تأکید بر قالب استخراج نشده است. همچنین تاکنون پژوهشگری الگوی وزن غزل معاصر را استخراج نکرده و آن را با الگوهای اصلی وزن غزل مقایسه نکرده و جنبه‌های آماری سنت و نوآوری آن را تحلیل نکرده است؛ مسئله‌ای که انجام این پژوهش را ضرورت می‌بخشد.

روش تحقیق

در این مقاله، با مراجعه به کتاب‌های مربوط به سیر غزل و شعر معاصر، ابتدا فهرستی از غزل‌سرایان مطرح استخراج شده و سپس ده شاعر مورد نظر با تکیه بر اولویت‌های زیر انتخاب شده است:

الف) غزل‌سرایانی که در کتاب‌های یادشده، بر جایگاه آنان در تحولات غزل معاصر، بیشترین تأکید شده است.

ب) دیوان یا مجموعه کامل اشعار آنان منتشر شده و دست‌کم صد غزل دارند و از نظر بسامدی، غزل قالب اول یا دوم اشعار آنان است.

شاعران منتخب عبارتند از: عارف قزوینی، فرخی یزدی، شهریار، رهی معیری، عماد خراسانی، سیمین بهبهانی، ابتهاج، بهمنی، منزوی و نصرالله مردانی.

پس از انتخاب شاعران، وزن بیش از ۲۵۰۰ غزل مربوط به آنان استخراج، طبقه‌بندی و به روش تحلیلی- تطبیقی، با الگوی خانلری درباره وزن غزل فارسی مقایسه شده است.

بررسی گونه‌های اصلی وزن در غزل معاصر

در متن این تحقیق در سه بخش اصلی، ابتدا بیست وزن اصلی غزل فارسی بر اساس الگوی خانلری، با الگوی به‌دست‌آمده از این اوزان در غزل ده شاعر برگزیده مقایسه شده است. سپس وضعیت بیست وزن پرکاربرد دیگر که در الگوی خانلری جای نمی‌گیرد، بررسی شده و در پایان، میزان سنت‌گرایی و نوآوری هر یک از شاعران در پیروی از الگوی وزن غزل فارسی یا نوآوری‌های وزنی تحلیل شده است.

تطبیق الگوی وزن غزل معاصر با الگوی وزن خانلری

از بررسی وزن بیش از ۲۵۰۰ غزل معاصر، آنچه می‌توان دریافت، نخست این است که از بیست الگوی خانلری، تنها سیزده گونه در قلمرو بیست وزن اصلی غزل معاصر باقی مانده و دیگر اوزان، جایگاه گذشته خود را از دست داده‌اند. چنان که در جدول شماره (۱) دیده می‌شود، بسامد سرایش غزل در اوزان مورد نظر خانلری که در کل شعر

فارسی و با توجه به مطالعه ۵۱ شاعر به دست آمده، بیش از ۸۸ درصد بوده (خانلری، ۱۳۲۷: ۱۵۰-۱۹۹)، اما در شعر معاصر به ۷۲ درصد کاهش یافته است؛ نکته‌ای که نشان‌دهنده تغییری محسوس در الگوی غزل معاصر است.

نکته دیگر، تغییر وضعیت هر یک از اوزان بیست‌گانه در مقایسه با الگوی خانلری است. دسته نخست وزن‌های الگوی او، اوزان کوتاه است. وزن «مفعولُ مفاعِلن مفاعیل (فعولن)»، نخستین وزن کوتاه الگوی او است که در کل ادب فارسی، بیش از چهار درصد غزل‌ها در آن سروده شده؛ هرچند در سده سیزدهم، کاربرد آن به بیش از دو درصد کاهش یافته است (همان: ۱۵۹-۱۶۲). این وزن، هشتمین وزن پرکاربرد در تحقیق خانلری بوده، در حالی که در شعر معاصر، بیست و یکمین وزن مؤثر غزل است و در ۰/۷۴ درصد از غزل‌ها نمود داشته است. البته نه تن از شاعران بررسی‌شده، در این وزن غزل سروده‌اند. تنها نصرالله مردانی، توجهی خاص به این وزن داشته است؛ نکته‌ای که احتمالاً برآمده از اصرار شاعران جریان انقلاب اسلامی، به بازگشت به الگوهای کهن بوده است.

«فاعلاتن فاعلاتن فاعِلن (فاعلان)»، دیگر وزن کوتاه الگوی خانلری است که در غزل فارسی، رتبه نهم داشته (همان: ۱۶۲-۱۶۵) است؛ حال آنکه از میان غزل‌سرایان بررسی‌شده، تنها پنج تن از آن بهره برده‌اند و رتبه‌اش در غزل معاصر به بیست و سه سقوط کرده است؛ نکته‌ای که می‌تواند مؤید خروج نسبی این وزن از دایره عروضی غزل معاصر باشد. در توجه به این وزن، تنها مردانی شیوه‌ای نزدیک به الگوی کهن داشته است. وزن سوم الگو، «مفاعیلن مفاعیلن فعولن (مفاعیل)» است که طبق پژوهش خانلری، ششمین وزن پرکاربرد تاریخ غزل است و در بیش از شش درصد از نمونه‌ها کاربرد داشته (همان: ۱۶۵-۱۶۸) است؛ حال آنکه در غزل معاصر، بسامدش کمتر از یک‌چهارم تاریخ شعر فارسی شده است؛ هر چند هنوز در الگوی بیست وزن اصلی باقی مانده و از میان وزن‌های کوتاه، یکی از دو وزن در غزل است. مردانی و تاحدودی عارف قزوینی و عماد خراسانی، بیش از دیگر شاعران معاصر از این وزن استفاده کرده‌اند؛ هر چند به جز محمدعلی بهمنی، دیگر غزل‌سرایان نیز از آن بهره برده‌اند.

«فاعلاتن مفاعِلن فعِلن (فعلان/ فعِلن/ فعلان)»، هفتمین وزن پرکاربرد در الگوی

خانلری بوده که در کل شعر فارسی ۴/۸۳ درصد استفاده شده است. البته استقبال از آن در غزل قرن سیزدهم به ۲/۵۶ درصد کاهش یافته است (خانلری، ۱۳۲۷: ۱۶۸-۱۷۱). این وزن در دوران معاصر، به مراتب کمتر از ادبیات کهن مقبولیت دارد؛ با این حال هنوز یکی از بیست وزن اصلی غزل بوده و عارف قزوینی، رهی معیری و تاحدودی نصرالله مردانی و حسین منزوی به آن توجه داشته‌اند و تنها در غزل‌های بهمنی، نشانی از آن دیده نمی‌شود.

چهار وزن «فاعلاتن فعلاتن فعلن (فعلان/ فعلن/ فعلان)»، «مفتعلن مفتعلن فاعلن (فاعلان)»، «مفعولُ مفاعلن مفاعیلن (مفاعیلان)» و «فعولن فعولن فعولن فعل (فعول)»، وزن‌های کم‌کاربرد الگوی خانلری بوده‌اند که در مجموع در حدود سه درصد از غزل‌های فارسی کاربرد داشته‌اند (همان: ۱۷۵-۱۷۶). این اوزان چنان که در جدول نیز دیده می‌شود، دیگر جزء بیست وزن اصلی غزل معاصر نیستند و به ترتیب رتبه‌های ۲۹، ۳۶، ۳۲ و ۴۵ را در غزل دارند و به‌ویژه در وزن‌های ردیف ۷ و ۸، کمترین میزان استقبال شاعران ثبت شده است. آنچه از تحلیل وضعیت اوزان کوتاه الگوی خانلری می‌توان نتیجه گرفت، این است که شش وزن از هشت وزن کوتاه الگوی او در میان بیست وزن اصلی غزل معاصر نمی‌گنجد و این نکته، مؤید کم‌توجهی شاعران معاصر به وزن‌های کوتاه در غزل و روی آوردن به وزن‌های طولانی‌تر است.

بیشترین میزان سازگاری دو الگو را در وزن‌های متوسط می‌توان دید. بر این اساس چهار وزن پرکاربرد غزل معاصر و چهار وزن اصلی غزل فارسی هر دو از میان وزن‌های متوسط انتخاب شده است؛ با این تفاوت که در این الگو، تفاوتی در تقدم و تأخر این چهار وزن دیده می‌شود. یکی از این اوزان، «مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن (فاعلان)» است که خانلری آن را از وزن‌های متوسط ثقیل معرفی کرده (همان: ۱۷۶-۱۸۰) و در هر دو الگوی کهن و معاصر، رتبه دوم دارد؛ با این تفاوت که میزان کاربرد این وزن در غزل معاصر (۱۳/۸۷) در مقایسه با شعر کهن (۱۱/۷۱) افزایشی محسوس داشته است. البته رتبه آن در الگوی ساتن اول است (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۲۹). همچنین از میان شاعران معاصر، رهی معیری در بیش از ۲۰ درصد غزل‌هایش از آن استفاده کرده و جز سیمین بهبهانی،

تمام شاعران در بیش از ۱۰ درصد از غزل‌هایشان از این وزن بهره برده‌اند. نکته مهم اینکه این وزن یکی از دو وزن اصلی غزل دهه‌های هفتاد و هشتاد نیز بوده و در شعر شاعران جوان نمودی مؤثر دارد (مرادی، ۱۳۸۹: ۴۸۳).

«فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (فاعلان)»، دیگر وزن متوسط ثقیل در الگو است که با ۱۱/۶۹ درصد کاربرد، سومین وزن مؤثر در پژوهش خانلری (خانلری، ۱۳۲۷: ۱۷۶-۱۸۰) و دومین وزن در الگوی السول ساتن (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۲۹) بوده است؛ هر چند در قرن سیزدهم از میزان کاربرد این وزن (۶/۰۱ درصد) کاسته شده (همان: ۱۷۹-۱۸۰) و در غزل معاصر با ۸/۳۳ درصد، چهارمین وزن پرکاربرد غزل است. نکته تأمل‌برانگیز درباره این وزن این است که در محدوده زمانی نزدیک به هم، عارف قزوینی هیچ غزلی را در این وزن نسوده است؛ در حالی که فرخی یزدی در بیش از ۳۰ درصد از غزل‌هایش از آن بهره برده است. همچنین رهی معیری در بیش از ۲۷ درصد از غزل‌هایش از آن استفاده کرده است. نکته‌ای که احتمالاً برآمده از تمایل فرخی و رهی به سبک هندی، در مقایسه با دیگر شاعران بررسی شده است و این احتمال زمانی تقویت می‌شود که در نظر بگیریم شاعرانی چون کلیم، صائب و بیدل در غزل‌هایشان بین ۲۴ تا ۳۱ درصد از این وزن استفاده کرده‌اند (کریمی و مرادی، ۱۳۸۹: ۷-۸).

یازدهمین وزن الگوی خانلری، «مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن (فعلان/ فعلن/ فعلان)» و از اوزان متوسط خفیف است که میزان کاربردش در کل ادب فارسی، ۱۰/۵۶ و در سده سیزدهم، ۱۲/۹۸ بوده (خانلری، ۱۳۲۷: ۱۸۲-۱۸۶) و در غزل معاصر، این میزان به ۱۶/۷۵ و رتبه آن به نخست صعود کرده است. البته در الگوی السول ساتن، رتبه آن سوم بوده است (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۲۹). این وزن همچنین یکی از دو وزن اصلی غزل شاعران جوان دهه‌های اخیر است (مرادی، ۱۳۸۹: ۴۸۱-۴۸۳) و اغلب شاعران معاصر، به جز فرخی و بهبهانی، به آن توجهی ویژه کرده‌اند؛ چنان که عارف، ۴۴/۱۴ درصد و اغلب غزل‌سرایان، بیش از ۲۰ درصد غزل‌هایشان را در این وزن سروده‌اند.

«فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن (فعلان/ فعلن/ فعلان)»، دیگر وزن متوسط خفیف در الگوی خانلری و با ۱۳/۱۲ درصد کاربرد، اولین وزن مؤثر در سنت غزل فارسی است

(خانلری، ۱۳۲۷: ۱۸۲-۱۸۶). البته در الگوی ساتن، رتبه چهارم را دارد (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۲۹). این وزن با ۲۵ درصد کاربرد، اولین وزن غزلیات حافظ است (خانلری، ۱۳۲۷: ۱۸۴) و میزان استقبال از آن در سده سیزدهم به ۲۰/۴۴ رسیده (همان: ۱۸۵-۱۸۶). هر چند میزان توجه به آن از نظر بسامد در غزل معاصر نزدیک به الگوی کهن است، رتبه آن به سوم سقوط کرده است. تمام شاعران بررسی شده، از این وزن در غزل بهره برده‌اند و شهریار بیش از دیگران (۲۶/۱۶) متمایل به این وزن بوده و در کنار او عارف و عماد هم از آن به فراوانی استفاده کرده‌اند. این توجه در غزل شهریار، شاید بیش از همه برآمده از تمایل او به غزلیات حافظ باشد (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۴۷۴-۴۷۵)؛ چنان‌که یک‌چهارم از غزل‌های حافظ نیز به این وزن سروده شده است (خانلری، ۱۳۲۷: ۱۸۴). نکته تأمل‌برانگیز اینکه بهبهانی تنها در ۲ درصد از غزل‌هایش از این وزن استفاده کرده است.

«مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن»، یکی از دو وزن بلند ثقیل در الگوی خانلری است که به طور متوسط در ۷/۴۶ درصد از غزل‌های فارسی کاربرد داشته (همان: ۱۸۸-۱۹۲) و در الگوی الول ساتن، همان رتبه پنجم خانلری را دارد (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۲۹). هر چند میزان کاربرد این وزن در غزل معاصر به ۵/۳۰ کاهش یافته، رتبه آن چندان متمایز با رتبه کهن آن نیست. تمام شاعران معاصر در غزل‌هایشان از این وزن استفاده کرده‌اند؛ اما عماد و رهی معیری با سرودن بیش از ۹ درصد غزل‌هایشان در این وزن، وضعیتی متفاوت با دیگران دارند.

«مستفعلن مستفعلن مستفعلن»، دومین وزن بلند ثقیل در جدول خانلری است که در الگوی کهن رتبه یازدهم و در قرن سیزدهم مقبولیت کمتری داشته است (خانلری، ۱۳۲۷: ۱۸۸-۱۹۲). این وزن سیزدهمین گونه پراهمیت غزل معاصر است و از میان شاعران، بهبهانی بیش از دیگران متوجه آن بوده است.

دسته دیگر از اوزان الگوی خانلری را وزن‌های متناوب تشکیل می‌دهد. «مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن (فاعلان)»، یکی از شش وزن متناوب (دوری) در الگوی خانلری است که بر اساس تحقیق او، با ۱/۵۸ درصد کاربرد، دوازدهمین وزن اصلی غزل بوده است (خانلری، ۱۳۲۷: ۱۹۵-۱۹۹). این وزن در غزل معاصر، تقریباً از دایره اوزان خارج شده

و به رتبه سی و هشتم نزول کرده و در مجموع در شش نمونه از بهبهانی، عماد و منزوی کاربرد داشته است.

«مفعولُ فاعلاتن مفعولُ فاعلاتن» با ۲/۶۷ درصد کاربرد، دهمین وزن اصلی در الگوی کهن است (همان: ۱۹۵-۱۹۹). میزان توجه به این وزن در غزل معاصر، ۲/۲۲ درصد بوده که جایگاه این گونه را به هفتمین وزن غزل معاصر و مهم‌ترین وزن متناوب رشد داده است. از میان شاعران معاصر به جز عارف قزوینی، دیگران این گونه را در غزل تجربه کرده‌اند؛ هر چند هیچ‌یک از شاعران به اندازه منزوی و پس از او بهمنی و بهبهانی به این وزن توجه نداشته است.

«مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن» با ۱/۴۸ درصد کاربرد، سیزدهمین وزن پرکاربرد تحقیق خانلری (همان: ۱۹۵-۱۹۹) و با ۰/۸۵ نمود، هجدهمین وزن اصلی غزل معاصر است. عارف، فرخی و مردانی، این وزن را در غزل به کار نبسته‌اند و هوشنگ ابتهاج بیش از دیگران (۲/۳۲) متوجه آن بوده است؛ شاید به این دلیل که این گونه از وزن‌های مورد توجه مولوی، شاعر تأثیرگذار بر غزل‌های اوست.

«مفعولُ مفاعیلن مفعولُ مفاعیلن»، شانزدهمین وزن اصلی غزل کهن است که در سنت غزل فارسی، ۱/۳۰ درصد کاربرد داشته (همان: ۱۹۵-۱۹۹) و در شعر معاصر این میزان به ۱/۷۵ درصد صعود کرده و این وزن را می‌توان دهمین وزن اصلی غزل معاصر و سومین وزن متناوب (دوری) مورد توجه شاعران دانست. به غیر از عارف، دیگر غزل‌سرایان از این وزن استفاده کرده‌اند و در غزل‌های فرخی و عماد، بسامدی متمایز از آن دیده می‌شود.

«فعلاتُ فاعلاتن فعلاتُ فاعلاتن» در الگوی خانلری از وزن‌های متناوب محسوب می‌شود و با ۱/۳۶ درصد کاربرد، پانزدهمین وزن اصلی غزل معاصر است (همان: ۱۹۵-۱۹۹). در غزل معاصر از کاربرد این وزن کاسته شده و رتبه آن به هجدهم سقوط کرده؛ هر چند هنوز یکی از وزن‌های اصلی غزل محسوب می‌شود. توجه به این وزن را بیش از همه در غزل‌های بهبهانی، رهی و منزوی می‌توان دید.

آخرین وزن الگوی خانلری، «مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن» است. این وزن با ۱/۴۵

درصد کاربرد، چهاردهمین وزن اصلی غزل کهن بوده و در سده سیزدهم، توجهی بیش از قبل به آن شده است (خانلری، ۱۳۲۷: ۱۹۵-۱۹۹). در غزل معاصر، کاربرد آن به ۲/۰۲ درصد افزایش یافته، به طوری که نهمین وزن اصلی غزل و دومین وزن متناوب اصلی در اشعار بررسی شده بوده است. شاعران دهه‌های نخستین معاصر، به استثنای شهریار، کمتر به این وزن توجه کرده‌اند؛ اما در غزل شاعران نیمه دوم سده اخیر چون بهمنی و تاحدودی ابتهاج و منزوی، توجهی متمایز به آن دیده می‌شود.

جدول ۱- بررسی جایگاه بیست وزن اصلی غزل، طبق الگوی خانلری در شعر معاصر

ردیف	وزن	گونه	متوسط درصد خانلری	متوسط درصد قرن ۱۳	رتبه کل	متوسط درصد معاصر	رتبه	تعداد شاعران استقبال کرده	شاعران تأثیرگذار
۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن (فعلان/ فعلن/ فعلان)	متوسط خفیف	۱۳/۱۲	۲۰/۴۴	اول	۱۳/۸۳	سوم	۱۰	شهریار
۲	مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن (فاعلان)	متوسط ثقیل	۱۱/۷۱	۱۰/۹۸	دوم	۱۳/۸۷	دوم	۱۰	رهی
۳	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (فاعلان)	متوسط ثقیل	۱۱/۶۹	۶/۰۱	سوم	۸/۳۳	چهارم	۹	فرخی
۴	مفاعلن فاعلاتن مفاعلن فعلن (فعلان/ فعلن/ فعلان)	متوسط خفیف	۱۰/۵۶	۱۲/۹۸	چهارم	۱۶/۷۵	اول	۱۰	عارف
۵	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (مفاعیلان)	بلند ثقیل	۷/۴۶	۴/۹۳	پنجم	۵/۳۰	ششم	۱۰	عماد
۶	مفاعیلن مفاعیلن فعولن (مفاعیل)	کوتاه	۶/۰۵	۶/۵۸	ششم	۱/۳۶	یازدهم	۹	مردانی
۷	فاعلاتن مفاعلن فعلن (فعلان/ فعلن/ فعلان)	کوتاه	۴/۸۳	۲/۵۶	هفتم	۱/۲۸	دوازدهم	۹	عارف
۸	مفعول مفاعلن مفاعیل (فعولن)	کوتاه	۴/۲۳	۲/۲۹	هشتم	۰/۷۴	بیست و یکم	۹	مردانی
۹	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	کوتاه	۳/۸۲	۳/۳۶	نهم	۰/۶۲	بیست	۵	مردانی

		و سوم						(فاعلان)	
منزوی	۹	هفتم	۲/۲۲	دهم	۲/۱۳	۲/۶۷	متناوب	مفعولُ فاعلاتن مفعولُ فاعلاتن (فاعلاتان)	۱۰
بهبهانی	۸	سیزده	۱/۱۳	یازدهم	۰/۶۷	۱/۷۶	بلند ثقیل	مستفعلن مستفعلن مستفعلن (مستفعلن)	۱۱
عماد	۳	سی و نهم	۰/۲۳	دوازدهم	۱/۳۲	۱/۵۸	متناوب	مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن (فاعلان)	۱۲
ابتهاج	۷	هجده	۰/۸۵	سیزدهم	۲/۴۷	۱/۴۸	متناوب	مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن (مفاعلان)	۱۳
بهمنی	۶	نهم	۲/۰۲	چاردهم	۲/۹۱	۱/۴۵	متناوب	مفاعلن فاعلاتن مفاعلن فاعلاتن (فاعلاتان)	۱۴
بهبهانی	۸	هجده	۰/۸۵	پانزدهم	۱/۸۰	۱/۳۶	متناوب	فعلاتُ فاعلاتن فعلاتُ فاعلاتن (فاعلاتان)	۱۵
فرخی	۹	دهم	۱/۷۵	شانزدهم	۱/۲۵	۱/۳۰	متناوب	مفعولُ مفاعیلن مفعولُ مفاعیلن (مفاعیلان)	۱۶
بهمنی	۵	بیست و نهم	۰/۴۳	هفدهم	۰/۷۱	۰/۷۵	کوتاه	فاعلاتن فعلاتن فعلن (فعلان/ فعلن) ^(۱)	۱۷
بهمنی	۵	سی و ششم	۰/۲۷	هفدهم	۰/۷۱	۰/۷۵	کوتاه	مفتعلن مفتعلن فاعلن (فاعلان)	۱۸
ابتهاج	۳	سی و دوم	۰/۳۱	هفدهم	۰/۷۱	۰/۷۵	کوتاه	مفعولُ مفاعلن مفاعیلن (مفاعیلان)	۱۹
مردانی	۳	چهل و پنجم	۰/۱۹	هفدهم	۰/۷۱	۰/۷۵	کوتاه	فعلون فعلون فعلون فعل (فعلون)	۲۰

بررسی وزن‌های اصلی خارج از الگوی خانلری

در کنار بیست وزن اصلی غزل فارسی که در الگوی خانلری بررسی شد، در غزل معاصر وزن‌هایی دیگر نیز بارها استفاده شده که در این بخش از مقاله به معرفی اجمالی

بیست وزن از آنها پرداخته شده است. از این میان تنها پنج وزن در الگوی ساتن هستند (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۲۹-۲۳۰) و پانزده وزن دیگر در هیچ‌یک از دو الگو دیده نمی‌شود. اگر در الگوی خانلری، هشت وزن کوتاه، چهار وزن متوسط، دو وزن بلند و شش وزن متناوب، بیست وزن اصلی غزل را تشکیل می‌دادند، در الگوی غزل معاصر، تعداد وزن‌های کوتاه به دو وزن کاهش یافته و تعداد وزن‌های متوسط، بلند و متناوب، به ترتیب به شش، چهار و هشت افزایش یافته است؛ نکته‌ای که مؤید طولانی‌تر شدن سطرهای غزل در دوران معاصر است.

از وزن‌هایی که در الگوی خانلری وجود ندارد، «مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیلُ (فعولن)»، در ۱۵۶ غزل (۶/۰۷ درصد) کاربرد داشته و پنجمین وزن اصلی در غزل معاصر است. این وزن با ۶/۹ درصد، ششمین وزن ساتن است (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۲۹) و جای شگفتی است که در الگوی بیست‌گانه خانلری جای ندارد. این گونه در اشعار فرخی کاربردی متمایز با دیگران دارد؛ هر چند تمام غزل‌سرایان معاصر از آن استفاده کرده‌اند.

هفتمین وزن اصلی غزل معاصر که جزء الگوی خانلری نیست، «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» است که ۵۷ غزل در آن سروده شده و جز ابتهاج، دیگر شاعران و بیش از همه، عماد از آن استفاده کرده‌اند. این وزن با متوسط کاربرد ۰/۲ درصد، بیست و پنجمین وزن در الگوی ساتن است (همان: ۲۳۰).

دیگر وزن‌های مهم خارج از الگوی خانلری، «مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع (فاع)» و «فاعلن مفاعیلن فاعلن مفاعیلن» هستند که ۲۸ غزل در قالب هر یک سروده شده و چهاردهمین اوزان پرکاربرد غزل معاصرند. وزن نخست که از گونه‌های مورد توجه شاعران معاصر در قالب‌های غزل و مثنوی است، جز در اشعار فرخی، شهریار و رهی در غزل دیگران نمود دارد. هر چند نصرالله مردانی بیش از دیگران از آن بهره برده است؛ نکته‌ای که با مضامین اشعار مردانی و همچنین مقبولیت این وزن در سال‌های آغازین انقلاب، به‌ویژه در مثنوی‌های علی معلم و حمید سبزواری سازگاری دارد. این وزن، علاوه بر تعزیه‌ها و نوحه‌های عصر قاجار، در اشعاری متعدد از شاعرانی چون الهی

قمشه‌ای، مهدی سهیلی و رعدی آذرخشی هم کاربرد داشته است (ماهیار، ۱۳۸۷: ۱۸۴-۱۸۵). «فاعلن مفاعیلن فاعلن مفاعیلن نیز»، جز در غزل‌های مردانی، بهمنی و ابتهاج در اشعار دیگر شاعران کاربرد داشته است.

«فعلاتن فعلاتن فعلاتن» با ۰/۵ درصد، شانزدهمین وزن غزل معاصر است که در مجموع ۲۸ بار و از آن جمله ده بار در اشعار شهریار، ۸ بار در غزل‌های بهبهانی، ۵ بار در غزل‌های عماد و ۱ بار در غزل‌هایی از منزوی، بهمنی و ابتهاج کاربرد داشته است. «مستفعلن فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن»، هفدهمین وزن اصلی است که ۲۳ غزل در آن سروده شده که از آن میان، ۱۶ غزل متعلق به بهبهانی، ۴ غزل منزوی و ۳ غزل از آن رهی، عماد و بهمنی است. این وزن در غزل پس از انقلاب نیز مقبولیت نسبی یافته، به‌طوری‌که برخی از شاعران چون سلمان هراتی از آن بهره برده‌اند (هراتی، ۱۳۸۰: ۲۹۴). وزن‌های «مستفعلن مفاعیلن مستفعلن مفاعیلن» و «مفاعلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن»، بیستمین (۲۱ غزل) و بیست و دومین (۱۸ غزل) اوزان پرکاربرد غزل معاصر و منحصر به بهبهانی‌اند. «مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع لن (فع لان)» و «مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فع (فاع)» نیز بیست و چهارمین اوزان (هر یک ۱۵ غزل) پرکاربرد غزل معاصرند؛ با این تفاوت که وزن بحر رجز در دهه غزل‌های شاعرانی چون منزوی و بهمنی مقبولیت یافته و وزن بحر منسرح (با ۰/۹ درصد کاربرد) بیشتر در غزل شاعران سنتی عصر پهلوی کاربرد داشته است.

«مفاعلن فعلاتن فع / مفاعلن فعلاتن فع (فاع)»، وزن دولختی مورد توجه شاعران نوگراتری چون بهبهانی، منزوی و بهمنی است که در دهه‌های اخیر به دایره اوزان غزل راه یافته و ۱۳ اثر نیز در آن سروده شده است. از میان غزل‌سرایان معاصر، قهرمان نیز این وزن را تجربه کرده است (موسوی، ۱۳۸۶: ۷۲).

وزن‌هایی چون «فعولن فعولن فعولن فعولن» (با ۰/۶ درصد) و «مفاعلن مفاعلن مفاعلن مفاعلن»، از وزن‌های کهن شعر فارسی است که در غزل معاصر، همچنان مورد توجه فرعی شاعران بوده و در مقایسه با برخی وزن‌های ابداعی، شاعران بیشتری در قالب این دو، غزل

سروده‌اند. از آن میان، شهریار، بهبهانی، مردانی، منزوی، بهمنی و ابتهاج، وزن نخست و شهریار، عماد، بهبهانی، منزوی و ابتهاج، وزن دوم را تجربه کرده‌اند.

وزن‌های «مستفعلن فعلاتن مستفعلن فعلاتن» و «مفاعلهن فاعلاتن مفاعلهن فاعلاتن»، به ترتیب با ۱۱ و ۱۰ بار کاربرد، رتبه‌های بیست و نهم و سی و یکم را در وزن غزل معاصر دارند و جز در اشعار بهبهانی، در آثار هیچ یک از نه شاعر دیگر استفاده نشده است. البته وزن «مستفعلن فعلاتن» دولختی، خلاف تصور موجود ساخته بهبهانی نیست و بهار نیز پیش از او آن را در یکی از اشعارش به کار برده است (ماهیار: ۱۳۸۷: ۱۹۲-۱۹۳). وزن سنتی «مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن» و وزن‌های متفاوت «مستفعلن مستفعلن فع/ مستفعلن مستفعلن فع» و «مفاعلهن فعولن/ مفاعلهن فعولن»، هر یک با ۸ غزل، سی و دومین اوزان اصلی غزل‌های بررسی شده‌اند. از آن میان گونه اول، در غزل‌هایی از منزوی، بهمنی و ابتهاج، گونه دوم در اشعار بهبهانی و بهمنی و گونه سوم در غزل‌هایی از عماد خراسانی، بهبهانی و منزوی کاربرد داشته است. البته وزن «مستفعلن مستفعلن فع» دو لختی، در سنت کهن شعر فارسی سابقه داشته و در دیوان خواجه نیشانه آن دیده می‌شود (همان: ۱۸۴ و کرمی، ۱۳۸۹: ۸۰). همچنین از میان معاصران، محمد قهرمان در غزل‌های دهه ۶۰ خود آن را تجربه کرده (موسوی، ۱۳۸۶: ۷۲) که نشان‌دهنده رواج این وزن در شعر معاصر است. وزن‌های دولختی «مستفعلن مفعولن/ مستفعلن مفعولن» و «مفعول فاعلاتن فعولن/ مفعول فاعلاتن فعولن» نیز نخستین بار ۷ بار کاربرد در اشعار بهبهانی و دومین در اشعار بهبهانی و منزوی، دیگر وزن‌های اصلی غزل بر اساس این پژوهش بوده‌اند.

جدول ۲- بررسی وضعیت بیست وزن پرکاربرد خارج از الگوی خانلری

ردیف	وزن	متوسط درصد معاصر	رتبه	تعداد شاعران استقبالی کرده	شاعران تأثیرگذار
۱	مفعول مفاعیل مفاعیل مفاعیل (فعولن)	۶/۰۷	پنجم	۱۰	فرخی
۲	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (فاعلاتن)	۲/۲۲	هفتم	۹	عماد

۳	مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع (فاع)	۱/۰۹	چهاردهم	۷	مردانی
۴	فاعِلن مفاعیلن/ فاعِلن مفاعیلن (مفاعیلان)	۱/۰۹	چهاردهم	۷	منزوی
۵	فعلاتِن فعلاتِن فعلاتِن فعلاتِن (فعلاتان)	۱/۰۱	شانزدهم	۶	شهریار
۶	مستفعلن فاعلاتن/ مستفعلن فاعلاتن (فاعلاتان)	۰/۸۹	هفدهم	۵	بهبهانی
۷	مستفعلن مفاعیلن/ مستفعلن مفاعیلن (مفاعیلان)	۰/۸۱	بیستم	۱	بهبهانی
۸	مفاعِلن مفاعیلن/ مفاعِلن مفاعیلن (مفاعیلان)	۰/۷۰	بیست و دوم	۱	بهبهانی
۹	مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع لن (فع لان)	۰/۵۸	بیست و چهارم	۲	بهمنی
۱۰	مفتعلن فاعلات مفتعلن فع (فاع)	۰/۵۸	بیست و چهارم	۷	عارف
۱۱	مفاعِلن فعلاتِن فع / مفاعِلن فعلاتِن فع (فاع)	۰/۵۰	بیست و ششم	۳	بهبهانی
۱۲	فعلون فعلون فعلون فعلون	۰/۴۶	بیست و هفتم	۶	منزوی
۱۳	مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن	۰/۴۶	بیست و هفتم	۵	ابتهاج
۱۴	مستفعلن فعلاتِن/ مستفعلن فعلاتِن	۰/۴۳	بیست و نهم	۱	بهبهانی
۱۵	مفاعِلن فاعلاتِن/ مفاعِلن فاعلاتِن	۰/۳۹	سی و یکم	۱	بهبهانی
۱۶	مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن	۰/۳۱	سی و دوم	۳	بهمنی
۱۷	مستفعلن مستفعلن فع/ مستفعلن مستفعلن فع	۰/۳۱	سی و دوم	۲	بهبهانی
۱۸	مفاعِلن فعلون/ مفاعِلن فعلون (مفاعیل)	۰/۳۱	سی و دوم	۳	بهبهانی
۱۹	مستفعلن مفعولن/ مستفعلن مفعولن (مفعولان)	۰/۲۷	سی و ششم	۱	بهبهانی
۲۰	مفعولُ فاعلاتُ فعلون/ مفعولُ فاعلاتُ فعلون (مفاعیل)	۰/۲۷	سی و ششم	۲	بهبهانی

بررسی میزان نوآوری و سنت‌گرایی هر یک از شاعران در استفاده از اوزان غزل

چنان که در جدول شماره (۳) دیده می‌شود، شاعران بررسی شده در میزان تبعیت از الگو و کلیشه‌های وزنی شعر کهن یا نوآوری در استفاده از وزن‌های تازه، وضعیتی متفاوت با هم دارند. در مجموع ۲۵۶۷ غزل بررسی شده، از ۱۵۷ وزن اصلی (با حذف یا ادغام زحاف‌های نزدیک) استفاده شده است که نشان‌دهنده تنوعی ویژه در وزن غزل معاصر است. این در حالی است که برای مثال بر اساس تحقیق‌های موجود، در ۱۴۰۰۰ غزل از ده شاعر شاخص سده‌های دهم تا دوازدهم، ۵۳ گونه وزنی استفاده شده است (کرمی و مرادی، ۱۳۸۹: ۱۸). همچنین بر اساس نظر خانلری، مجموع اوزانی که اغلب در غزل به کار می‌رود، حدود ۲۵ وزن است (خانلری، ۱۳۲۷: ۱۵۲).

این تنوع، ویژه همه شاعران معاصر نیست. چنان که در جدول زیر دیده می‌شود، بهبهانی از میان معاصران، بیشترین تنوع را در کاربرد وزن دارد و ۱۱۳ وزن در غزل‌هایش به کار برده است. پس از او، منزوی با ۶۷ گونه وزن، دومین شاعر متنوع است. در اشعار دیگر شاعران بررسی شده، برخی چون عماد با ۳۰، شهریار با ۲۸، بهمنی با ۲۷ و ابتهاج با ۲۶ وزن، تنوعی نسبی در انتخاب اوزان غزل دارند. اما شاعران متمایل به موسیقی و تصنیف‌سرایي چون عارف و رهی و همچنین شاعران سیاسی یا انقلابی چون فرخی و مردانی، کمترین تنوع را در حوزه وزن غزل نشان داده‌اند؛ چنان که عارف تنها از ۱۴، فرخی از ۱۷، رهی معیری از ۲۰ و مردانی از ۲۳ گونه وزنی استفاده کرده‌اند. این کلیشه‌گرایی شاید با تعداد کم غزل‌های آنان نیز پیوند دارد؛ اما نوع کارکرد غزل در زندگی آنان نیز در این کلیشه‌گرایی بی‌تأثیر نبوده است.

مبحث دیگر، میزان سازگاری هر یک از این شاعران با الگوی وزنی خانلری است. از این منظر، شاعران تصنیف‌سرا شاید به دلیل اینکه موسیقی ایرانی، پیوندی عمیق با شعر سنتی دارد، بیشترین انطباق را با این الگو داشته‌اند؛ چنان که عارف قزوینی حدود ۹۲ و رهی حدود ۹۰ درصد از غزل‌هایش را در چارچوب وزن‌های بیست‌گانه خانلری سروده‌اند و حتی از میانگین متوسط این الگو در ادب فارسی نیز پیشی گرفته‌اند. شاعرانی چون شهریار، ابتهاج و مردانی هم با انطباق بیش از ۸۰ درصدی، وضعیتی نزدیک به معدل این

الگو دارند و این نکته نشان‌دهنده پابندی آنها به سنت غزل فارسی است. در این میان فرخی یزدی، عماد خراسانی و محمدعلی بهمنی، تاحدودی از دایره اوزان خانلری فاصله گرفته‌اند. این تفاوت در فرخی بیش از همه به دلیل نزدیکی او به الگوی اوزان سبک هندی و در غزل‌های عماد و بهمنی، بیشتر به دلیل نوآوری‌هایی است که گاه در اوزان غزل تجربه کرده‌اند.

منزوی در حدود ۶۹ درصد از غزل‌هایش مقید به الگوی خانلری است و تاحدودی بیش از دیگران توانسته در فضای غزل فارسی، اوزانی تازه را تجربه کند. اما در بین این شاعران، الگوی وزنی سیمین بهبهانی بسیار متمایز با چارچوب خانلری است. او تنها ۳۴ درصد از غزل‌هایش را در وزن‌های مورد نظر خانلری سروده و از این نظر، شاعری کاملاً متفاوت با شاعران سنتی است و شاید تحت تأثیر شعر نیمایی کوشیده تا با ساخت‌شکنی عروضی در غزل، دریچه‌ای تازه را رو به شعر معاصر باز کند.

زاویه دیگر پژوهش، میزان توجه شاعران به وزن‌های منحصربه‌فرد (در مجموع غزل‌های این ده شاعر و نه در کل شعر فارسی) است. از مجموع ۱۵۷ وزن استخراج‌شده، ۸۳ وزن تنها به وسیله یکی از این ده شاعر استفاده شده است. از این اوزان، ۵۳ وزن در اشعار بهبهانی (بهبهانی، ۱۳۸۸: ۹۱۹، ۹۲۱، ۹۳۵، ۹۳۹، ۹۴۵، ۹۴۷ و...) و ۲۲ وزن در غزل‌های حسین منزوی کاربرد داشته (منزوی، ۱۳۸۸: ۲۶۵، ۲۰۰، ۳۷۸، ۴۰، ۳۹۷ و...) و شاعرانی چون عارف قزوینی، رهی معیری و نصرالله مردانی، حتی یک وزن منحصر را در غزل‌های خود ندارند. از دیگر شاعران، شهریار (شهریار، ۱۳۸۸: ۳۶۸ و ۴۱۷)، ابتهاج (ابتهاج، ۱۳۸۱: ۱۶۲ و ۲۱۰) و بهمنی (بهمنی، ۱۳۹۰: ۳۸۴ و ۶۹۷) هر یک دو وزن و فرخی یزدی (فرخی یزدی، ۱۳۶۳: ۱۴۶) و عماد خراسانی (عماد خراسانی، ۱۳۸۹: ۱۳۴) هم تنها یک وزن منحصر را به کار برده‌اند.

از دیگر جنبه‌های بررسی وزن غزل شاعران، مقایسه میزان پابندی آنان به سه وزن اصلی است. در الگوی خانلری، سه وزن اصلی غزل، ۳۷ درصد توجه شاعران را در برمی‌گیرد؛ حال آنکه در شعر معاصر، این میزان به حدود ۴۴ درصد افزایش یافته است. این نکته مؤید این است که در کنار نوآوری‌های منفرد شاعران در کاربرد وزن‌های

جدید، شاعران اغلب از چند وزن اصلی استفاده می‌کنند که این نکته به کلیشه‌گرایی وزن غزل معاصر انجامیده است. از این زاویه، جدا از بهبهانی که تنها ۲۰ درصد از غزل‌هایش را در سه وزن اصلی‌اش سروده، دیگر شاعران معدلی بیش از میانگین الگوی کهن دارند. این میزان کلیشگی در اشعار عارف تا ۸۳ درصد رسیده، در اشعار رهی و فرخی به ترتیب ۶۴ و ۶۲ درصد است، ابتهاج، شهریار، مردانی، عماد و منزوی نیز به ترتیب ۵۷، ۵۶، ۵۲، ۴۹ و ۴۲ درصد غزل‌هایشان را تنها در سه وزن سروده‌اند.

آخرین مبحثی که می‌توان در تحلیل کلیشه‌های وزن غزل معاصر مطرح کرد، نوع وزن‌های اصلی سه‌گانه و میزان انطباق آنها با الگوی شعر کهن یا معاصر است. از این زاویه، برخی شاعران به الگوهای انتخاب وزن در دوران سبک عراقی، برخی به سبک هندی و برخی به ساختی تازه متمایلند.

چنان که در جدول شماره (۳) دیده می‌شود، ترتیب سه وزن اول غزل‌های ابتهاج، بهمنی و منزوی و مردانی یکی است و تنها در بسامد اوزان با هم متفاوتند. در غزل‌های آنان، «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعّلعن» وزن اول، «مفعولُ فاعلاتن مفاعیلُ فاعلن» وزن دوم و «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعّلعن»، وزن سوم است. این نکته نشان‌دهنده کلیشه شدن این وزن‌ها در غزل معاصر است. این سه وزن، وزن‌های اصلی غزل عارف، شهریار و عماد نیز هستند و تنها تفاوت این شاعران با چهار شاعر پیشین، در ترتیب کاربرد هر یک از اوزان است. این وزن‌ها از اوزان متوسط الگوی خانلری‌اند و بسامد آنها با الگوی شاعران سبک عراقی، نزدیکی محسوسی دارد (خانلری، ۱۳۲۷: ۱۷۶-۱۸۴).

الگوی سه وزن اصلی غزل‌های رهی معیری در وزن اول «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» متفاوت با دیگر شاعران است. در الگوی غزل‌های فرخی، این تمایز علاوه بر وزن اول که همان وزن غزل رهی است، در وزن سوم «مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن» هم دیده می‌شود. با توجه به اینکه وزن نام‌برده بحر رمل، اصلی‌ترین وزن غزل شاعرانی چون کلیم، صائب، بیدل و بسیاری از غزل‌سرایان سبک هندی است و وزن بحر هزج از وزن‌های مهم غزل سده‌های دهم تا دوازدهم است (کریمی و مرادی، ۱۳۸۹: ۷-۸)، محتمل

است که این تمایز الگو در سه وزن اصلی غزل‌های فرخی و رهی، برآمده از تمایل آنان به سبک هندی بوده باشد؛ نکته‌ای که در بررسی سبک‌شناسانه غزل‌های آنان هم قابل اثبات است، چنان که بسیاری از پژوهشگران ادب معاصر، سبک رهی را بینابین هندی و عراقی دانسته‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۴۸۰؛ حقوقی، ۱۳۸۸: ۵۱۵ و روزبه، ۱۳۷۹: ۱۱۴).
از شاعران ده‌گانه، تنها سیمین بهبهانی است که یکی از اوزان اصلی غزل‌هایش، گونه‌ای متفاوت با الگوهای پیشین است. او ۲۱ بار در غزل‌هایش از وزن «مستفعلن مفاعیلن مستفعلن مفاعیلن» استفاده کرده که از منظر نوآوری، او را در مقایسه با دیگر غزل‌سرایان معاصر متمایز کرده است.

جدول ۳- میزان سنت‌گرایی یا نوآوری شاعران در وزن غزل

ردیف	شاعر	تعداد غزل	تعداد گونه‌های وزن	میزان انطباق با الگوی خانلری	تعداد وزن‌های منحصر به فرد	سه وزن اول
۱	عارف قزوینی (۱۳۱۲-۱۲۵۱)	۱۱۱	۱۴	۸ وزن (۹۱/۸۷)	—	مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلمن (۴۴/۱۴)
						فاعلاتن فعلات فعلمن فعلمن (۲۳/۴۲)
						مفعول فاعلات مفاعیل فاعلمن (۱۵/۳۱)
۲	فرخی یزدی (۱۳۱۸-۱۲۶۷)	۱۸۸	۱۷	۱۱ وزن (۷۸/۷۰)	۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلمن (۳۰/۸۵)
						فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلمن (۱۶/۴۹)
						مفعول مفاعیل مفاعیل مفاعیل مفاعیل (۱۴/۸۹)
۳	محمدحسین شهریار	۵۳۵	۲۸	۱۸ وزن (۸۶/۰۹)	۲	فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلمن (۲۶/۱۶)

مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن (۱۵/۵۱)					(۱۳۶۷-۱۲۸۵)	
مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن (۱۴/۵۸)						
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (۲۷/۱۱)						
مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن (۲۰/۳۳)	—	۱۴ وزن (۸۹/۷۸)	۲۰	۱۷۷	رهی معیری (۱۳۴۷-۱۲۸۸)	۴
مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن (۱۶/۹۴)						
فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن (۲۳/۵۳)						
مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن (۱۴/۰۲)	۱	۱۷ وزن (۷۷/۷۵)	۳۰	۲۲۱	عماد خراسانی (۱۲۸۲-۱۳۰۰)	۵
مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن (۱۱/۳۱)						
مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن (۷/۸۱)						
مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن (۷/۱۶)	۵۳	۱۶ وزن (۳۴/۲۲)	۱۱۳	۴۶۱	سیمین بهبهانی (۱۳۰۶-۱۳۹۳)	۶
مستفعلن مفاعیلن مستفعلن مفاعیلن (۴/۵۵)						
مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن (۲۶/۳۵)						
مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن (۱۵/۵۰)	۲	۱۵ وزن (۸۲/۸۹)	۲۶	۱۲۹	هوشنگ ابتهاج (متولد ۱۳۰۶)	۷
فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن (۱۵/۵۰)						
مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن	۲	۱۵ وزن	۲۷	۱۵۷	محمدعلی بهمنی	۸

(۲۰/۳۸)		(۷۸/۲۷)			(متولد ۱۳۲۱)	
مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن (۱۸/۴۷)						
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن (۱۵/۲۸)						
مفاعلن فاعلاتن مفاعلن فعلن (۲۰/۶۲)						
مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن (۱۵/۵۲)	۲۲	۱۸ وزن (۶۹/۱۲)	۶۷	۴۵۱	حسین منزوی (۱۳۲۵-۱۳۸۳)	۹
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن (۶/۶۵)						
مفاعلن فاعلاتن مفاعلن فعلن (۳۲/۱۱)						
مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن (۱۰/۲۲)	—	۱۶ وزن (۸۴/۶۶)	۲۳	۱۳۷	نصرالله مردانی (۱۳۲۶-۱۳۸۲)	۱۰
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن (۹/۴۹)						
	۸۳	۲۰	۱۵۷	۲۵۶۷	جمع	

نتیجه‌گیری

آنچه از بررسی عروضی بیش از ۲۵۰۰ غزل از شاعران معاصر می‌توان نتیجه گرفت نخست این است که از میان بیست وزن اصلی غزل بر اساس الگوی خانلری، سیزده وزن که عمدتاً از وزن‌های متوسط، متناوب و بلند هستند، همچنان در دایره اصلی وزن غزل باقی مانده است؛ هر چند شش وزن از هشت وزن کوتاه الگوی خانلری دیگر در الگوی غزل معاصر جایگاه مهمی ندارد. همچنین وزن‌هایی چون «مفعول مفاعیل مفاعیل مفاعیل»، «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن»، «مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع»، «فاعلن مفاعیلن/ فاعلن مفاعیلن»، «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن»، «مستفعلن فاعلاتن/

مستفعلن فاعلاتن» و «مستفعلن مفاعیلن / مستفعلن مفاعیلن» به جدول بیست وزن اصلی غزل معاصر اضافه شده است.

از منظر بحرهای اصلی مورد توجه شاعران، قریب ۹۳ درصد از غزل‌ها در بحرهای رمل (۲۹ درصد)، مجتث (۲۲ درصد)، مضارع (۱۷/۵ درصد)، هزج (۱۷/۵ درصد) و رجز (۷ درصد) سروده شده است. نشانه‌هایی از بحرهای خفیف، متدارک، منسرح، مقتضب، سریع، کامل، مدید، متقارب یا وزن‌هایی خارج از چارچوب بحرهای مرسوم نیز در غزل برخی شاعران دیده می‌شود. از زاویه تنوع وزن‌های بحرها نیز بیش از سی وزن از بحر رجز استخراج شده و پس از آن، بحرهای رمل، هزج، مجتث و مضارع اهمیتی بیش از دیگر بحرها دارند؛ به طوری که حدود صد گونه از وزن‌های اصلی در بحرهای یادشده سروده شده است. از منظر بسامدی، همچنین بیشترین غزل در قالب وزن‌های متوسط سروده شده و در کنار آن هرچه از بسامد اوزان کوتاه کاسته، بر وزن‌های بلند افزوده شده و میزان پایبندی غزل‌سرایان معاصر به الگوی خانلری از متوسط ۸۸ به ۷۲ درصد کاهش یافته است.

در مجموع غزل‌ها، از ۱۵۷ وزن اصلی استفاده شده که نشان‌دهنده تنوع وزن غزل معاصر است. از این میان ۸۳ وزن منحصراً در اشعار یک شاعر دیده می‌شود که بهبهانی با ۵۳ و منزوی با ۲۲ وزن بیشترین نوآوری را داشته‌اند. این دو به ترتیب با ۳۴ و ۶۹ درصد انطباق وزنی با الگوی خانلری، کمترین میزان سنت‌گرایی را نیز نشان داده‌اند. در آن سوی محور سنت و نوآوری، عارف قزوینی، رهی معیری و نصرالله مردانی هیچ وزن منحصری را استفاده نکرده‌اند. اینان با الگوی خانلری به ترتیب ۹۱، ۸۹ و ۸۴ درصد انطباق دارند. میزان این انطباق در غزل شهریار ۸۶ درصد است؛ هر چند او دو وزن منحصربه‌فرد را تجربه کرده است. شاعرانی چون محمدعلی بهمنی با ۷۸ درصد انطباق و دو وزن تازه، عماد خراسانی با ۷۷ درصد انطباق و یک وزن تازه، فرخی یزدی با ۷۸ درصد انطباق و یک وزن تازه و ابتهاج با ۸۲ درصد انطباق و دو وزن تازه، در حد فاصل نوآوری و سنت در قلمرو وزن غزل معاصر قرار گرفته‌اند. همچنین می‌توان ادعا کرد که هر چند الگوی وزن غزل معاصر از منظر تنوع اوزان نوآورانه‌تر از گذشته است، از زاویه تکرار سه وزن اصلی، به سمت کلیشه‌ها گرایش یافته است.

پی‌نوشت

۱. در تحقیق خانلری به دلیل کمی کاربرد، درصد وزن‌های ذکر شده در ردیف پنج تا هشت، به صورت مجموع ذکر شده است. به همین دلیل، درصد ثبت شده در جدول، حاصل تقسیم درصد خانلری به چهار است.

منابع

- آرین پور، یحیی (۱۳۸۷) از صبا تا نیما، ج ۲، چاپ نهم، تهران، زوار.
- ابتهاج، هوشنگ (۱۳۸۱) سیاه مشق، چاپ سوم، تهران، کارنامه.
- ابومحبوب، احمد (۱۳۸۲) گهواره سبز افرا، زندگی و شعر سیمین بهبهانی، تهران، ثالث.
- بهادری، محمدجلیل و اسحاق طغیانی (۱۳۹۱) «بررسی موسیقی کناری و بیرونی غزلیات شهریار»، مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی فسا، شماره ۵، بهار، صص ۱۱-۳۰.
- بهبهانی، سیمین (۱۳۸۸) مجموعه اشعار، چاپ چهارم، تهران، نگاه.
- بهمنی، محمدعلی (۱۳۹۰) مجموعه اشعار، تهران، نگاه.
- حسن‌لی، کاووس (۱۳۸۳) گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران، تهران، ثالث.
- حسین پور چافی، علی (۱۳۹۰) جریان‌های شعری معاصر فارسی از کودتا (۱۳۳۲) تا انقلاب (۱۳۵۷)، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر.
- حقوقی، محمد (۱۳۸۸) مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران، نظم- شعر، چاپ هشتم، تهران، قطره.
- خانلری، پرویز (۱۳۲۷) تحقیق انتقادی در عروض فارسی و چگونگی تحول اوزان غزل، تهران، دانشگاه تهران.
- روزبه، محمدرضا (۱۳۷۹) سیر تحول در غزل فارسی از مشروطه تا انقلاب اسلامی، تهران، روزنه.
- (۱۳۸۱) ادبیات معاصر (شعر)، تهران، روزگار.
- رهی معیری، محمدحسن (۱۳۷۹) دیوان کامل، به اهتمام کیومرث کیوان، چاپ سوم، تهران، مجید.
- زرقانی، مهدی (۱۳۹۱) چشم‌انداز شعر معاصر ایران، جریان‌شناسی شعر معاصر ایران در قرن بیستم، تحریر دوم، تهران، ثالث.
- سمیعی گیلانی، احمد (۱۳۹۰) «اوزان شعر در غزلیات سعدی»، وزن شعر فارسی از دیروز تا امروز، مجموعه سخنرانی‌های نخستین هم‌اندیشی وزن شعر فارسی و اشعار ایرانی، به کوشش امید طبیب‌زاده، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص ۱۴۹-۱۶۷.
- شریفی، فیض (۱۳۹۳) شعر زمان ما (۶)، سیمین بهبهانی، تهران، نگاه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰) با چراغ و آینه، چاپ سوم، تهران، سخن.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶) سیر غزل در شعر فارسی، ویرایش دوم، تهران، علم.
- شهریار، محمدحسین (۱۳۸۸) دیوان، چاپ سی و پنجم، تهران، نگاه.
- صبور، داریوش (۱۳۷۰) آفاق غزل فارسی، تهران، گفتار.
- عارف قزوینی، ابوالقاسم (۱۳۵۷) دیوان، تهران، جاویدان.
- عظیمی، محمد (۱۳۶۹) از پنجره‌های زندگانی، برگزیده غزل امروز ایران، تهران، آگاه.

- عظیمی، محمدجواد (۱۳۹۰) «عروض و موسیقی ه. الف. سایه»، وزن شعر فارسی از دیروز تا امروز، مجموعه سخنرانی‌های نخستین هم‌اندیشی وزن شعر فارسی و اشعار ایرانی، به کوشش امید طیب‌زاده، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص ۱۶۹-۲۱۱.
- عماد خراسانی (۱۳۸۹) دیوان، چاپ پنجم، تهران، نگاه.
- فرخی یزدی، محمد (۱۳۶۳) دیوان، به اهتمام حسین مکی، چاپ هفتم، تهران، امیرکبیر.
- کرمی، محمدحسین (۱۳۸۹) عروض و قافیه در شعر فارسی، چاپ سوم، شیراز، دانشگاه شیراز.
- و محمد مرادی (۱۳۸۹) «بررسی گونه‌های وزن در غزل شاعران بزرگ سده‌های دهم، یازدهم و دوازدهم»، مجله فنون ادبی، دانشگاه اصفهان، شماره ۳، صص ۱-۱۸.
- کمالی، مهدی و دیگران (۱۳۸۸) «بررسی آماری اوزان غزل‌های بیدل دهلوی و مقایسه آن با وزن غزل فارسی و سبک هندی»، فنون ادبی، شماره ۱، پاییز و زمستان، صص ۱۰۷-۱۲۶.
- ماهیار، عباس (۱۳۸۷) عروض فارسی، چاپ دهم، تهران، قطره.
- مدرسی، فاطمه و رقیه کاظم‌زاده (۱۳۸۹) «بررسی موسیقی در غزل‌های سیمین بهبهانی، حسین منزوی و محمدعلی بهمنی»، مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی سنندج، شماره ۳، تابستان، صص ۱۶۳-۱۷۹.
- مرادی، سکینه (۱۳۹۰) «بررسی وزن در شعر سیمین بهبهانی»، مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی فسا، شماره ۳، تابستان، صص ۹۵-۱۱۱.
- مرادی، محمد (۱۳۸۹) جریان‌شناسی غزل شاعران جوان استان فارس در سال‌های پس از جنگ، شیراز، بنیاد فارس‌شناسی.
- مردانی، نصرالله (۱۳۷۶) قانون عشق، مجموعه شعر، تهران، صدرا.
- منزوی، حسین (۱۳۸۸) مجموعه اشعار، به کوشش حسین فتحی، تهران، نگاه.
- موسوی، علی‌اصغر (۱۳۸۶) «جادوی وزن در غزل‌های قهرمان، نامه فرهنگستان»، شماره ۳۶، صص ۶۸-۷۸.
- میرطلایی، مانده (۱۳۹۲) «بررسی آماری اوزان دیوان شمس»، وزن شعر فارسی از دیروز تا امروز (۲)، مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی وزن شعر فارسی و اشعار ایرانی، به کوشش امید طیب‌زاده، تهران، هرمس، صص ۴۱۳-۴۲۶.
- هراتی، سلمان (۱۳۸۰) مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی، تهران، دفتر شعر جوان.